

تظاهرات زنان بومی در برابر مقر شرکت نفتی
تریپتول در کوییتو، پایتخت اکوادور

یک کشور مستقل خارجی رسیدگی کنند، کما اینکه دادگاه‌های خارجی نمی‌توانند به امور ایالات متحد آمریکا بپردازند.

این مهم‌ترین بخش از شکایتی است که قرار است قاضی جدراکوف پس از رسیدگی طولانی پنج‌ساله در آوریل ۱۹۹۹ در خصوص آن اعلام نظر کند. اگر وی تصمیم بگیرد که این شکایت در آمریکا قابل رسیدگی است، سابقه‌های بسیار بااهمیت ایجاد خواهد شد زیرا از این پس شهروندان سایر کشورها خواهند توانست شرکت‌های آمریکایی را در خود آن کشور تحت پیگرد قضایی قرار دهند.

چهار دولتی که از سال ۱۹۹۳ در اکوادور سرکار آمده‌اند با این امر مخالفت کرده با استناد به اصل حاکمیت ملی خواستار



جریان نفت و خونریزی جنگل

کارلوس ویتری گوالینیا*

گروهی از بومیان اکوادور از شرکت نفت تکراکو به خاطر «بوم‌کشی» شکایت کرده‌اند.

رسیدگی به شکایت یاد شده در اکوادور شده‌اند. اما در این صورت، برخلاف قوانین آمریکا که «شکایت گروهی» را مجاز می‌داند، ۳۰۰۰۰ نفری که دچار آسیب شده‌اند باید ۳۰۰۰۰ شکایت جداگانه را در دادگاه‌های اکوادور ارائه کنند. مهم‌تر از همه آنکه به گفته کریستوبال بونیفاز، وکیل شاکایان، آنان مطمئن نیستند که دادگاه‌های اکوادور عدالت را در حق ایشان اجرا خواهند کرد، زیرا اولاً این دادگاه‌ها فاقد تجربه در رسیدگی به این گونه شکایات هستند و ثانیاً امکان زد و بند در این کشور بسیار زیاد است.

سیزده میلیون هکتار، یعنی حدود نیمی از مساحت اکوادور، تحت اختیار شرکت‌های نفتی غالباً بین‌المللی قرار گرفته است. بخش نفت حدود نیمی از صادرات و ۴۰ درصد از درآمد ملی را تأمین می‌کند. به همین دلیل، نفت رکن پیشرفت کشور تلقی می‌شود و برخی مقامات اکوادور بر این اساس استدلال می‌کنند که لطمات زیست‌محیطی بهایی است که باید برای پیشرفت پرداخته شود.

اما این استدلالی پوچ است. میزان بدهی خارجی کشور که پیش از شکوفایی صنعت نفت ۲۱۷ میلیون دلار بود، حالا به ۱۵ میلیارد دلار رسیده است و ۷۰ درصد از مردم اکوادور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. عجیب آنکه میدان‌های نفتی در فقیرنشین‌ترین مناطق کشور قرار دارند که شرایط کار در آنجا بسیار سخت و دستمزدها پایین است.

شرکت‌های نفتی به مقامات محلی رشوه می‌دهند تا چشم بر صدمات زیست‌محیطی ببندند و یا حتی مزارع آلوده شده را بخرند تا از مطرح

بیش از ۷۵ میلیون متر مکعب مایعات سمی به رودخانه‌ها و باتلاق‌ها ریخته، مسبب نشت تصادفی بیش از ۶۰۰۰۰ متر مکعب نفت بوده و در بیش از ۶۰۰ نقطه به انبار کردن مواد سمی در فضای باز پرداخته است. افزون بر این، شرکت موجب نابودی بخش چشمگیری از جنگل شده که فرسایش زمین و کاهش تنوع زیستی را در پی داشته است.

تکراکو پذیرفته است که «نفت گاهی سرریز و نشت می‌کند»، اما تحقیقات دو شرکت «زمین و محیط‌زیست آگرا» و «فوگرو مک کلند»

«دادگاه‌های آمریکا نباید به فعالیت‌های یک کشور مستقل خارجی رسیدگی کنند»

(Fugro Mc Clelland) را مورد استناد قرار می‌دهد که طبق آن شعبه تکراکو «مسئولانه عمل کرده» و «آثار پایدار و محسوس» بر محیط‌زیست نداشته است. تکراکو می‌افزاید که طبق قراردادی با مقامات اکوادور بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ مبلغ ۴۰ میلیون دلار را صرف یک برنامه احیا و ترمیم محیط کرده است. تکراکو خصوصاً تأکید می‌کند که کلیه فعالیت‌هایش «تحت کنترل و نظارت دولت اکوادور بوده و همه قوانین آن کشور و ضوابط زیست‌محیطی صنعت نفت بین‌المللی را رعایت کرده است». وانگهی، تکراکو خواستار مطرح شدن این شکایت در دادگاه‌های اکوادور است و می‌گوید: «دادگاه‌های آمریکا نباید به فعالیت‌های

گروهی ۷۵ نفری از سرخپوستان کوفان، سکویا و کوئه‌چوا که در منطقه آمازون کشور اکوادور زندگی می‌کنند، خواهان دریافت یک و نیم میلیارد دلار غرامت از شرکت نفتی تکراکو شده‌اند. آنان این غول نفتی آمریکا را به ارتکاب «بوم‌کشی» طی ۲۶ سال فعالیت در اکوادور متهم ساخته و گفته‌اند که خسارات یاد شده همچنان ادامه دارد، زیرا تکراکو از تجهیزات فرسوده استفاده می‌کند. شاکایان شکایتشان را نه در میهن و محل اقامت خود، که در دادگاهی در ایالت نیویورک مطرح کرده‌اند.

کنسرسیون‌های متشکل از یکی از شعبه‌های تکراکو و شرکت ملی نفت اکوادور (پترواکوادور) طی سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۰ تعداد ۳۳۹ چاه نفت در این کشور حفر کرد که از سال ۱۹۹۲ به بعد ۲۳۲ حلقه از این چاه‌ها همچنان در شرق کشور مورد بهره‌برداری است. البته اینک پترواکوادور به تنهایی این بهره‌برداری را ادامه می‌دهد.

شکایت شاکایان عمدتاً بر تحقیقات سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیست از قبیل «شورای دفاع از منابع ملی» و «مرکز حقوق اقتصادی و اجتماعی» که هر دو در نیویورک مستقراند و نیز بررسی‌های محققان دانشکده بهداشت دانشگاه هاروارد، متکی است. آنان می‌گویند تکراکو منطقه‌ای به وسعت تقریبی یک میلیون هکتار مربع را آلوده کرده است و سی هزار نفر از ساکنان منطقه دچار انواع عفونت‌ها، سقط جنین و سرطان شده‌اند.

تکراکو همچنین متهم است که طی این دوره

* مردم‌شناس اهل اکوادور

سیاره غیرعادی پلوتون

خبر رسمی است: پلوتون همچنان سیاره تلقی می‌شود، آن هم سیاره‌های بزرگ. این خبر را اتحادیه بین‌المللی ستاره‌شناسی (IAU) اعلام کرده است. با این وصف، یوهانس اندرسون، دبیر کل اتحادیه حاضر است شرط ببندد که اگر پلوتون به جای سال ۱۹۳۰، امروز کشف می‌شد، دیگر نهمین سیاره منظومه شمسی به‌شمار نمی‌رفت.

علت آن است که پلوتون با سایر سیارات متفاوت است. اولاً، پلوتون از یخ تشکیل شده است. در صورتی که هشت سیاره دیگر منظومه شمسی یا از سنگ و خاک تشکیل شده‌اند یا از گاز. ثانیاً اندازه بسیار کوچک پلوتون هم نقصی به‌شمار می‌رود. حتی ماه هم از پلوتون بزرگتر است. بالاخره آنکه پلوتون مداری نامتعارف دارد و تنها سیاره منظومه ما است که مدارش با مدار یک سیاره دیگر (نپتون) متقاطع است.

بسیاری از دانشمندان، پلوتون را در رأس مجموعه‌های جدید از اجرام موسوم به اجرام فرانیپتونی (TNO) می‌دانند. اما ستاره‌شناسان هنوز در مورد نحوه طبقه‌بندی حدود ۱۰۰ جرم فرانیپتونی که از سال ۱۹۹۲ کشف شده‌اند، تصمیمی نگرفته‌اند. آیا این اجرام گروهی مجزا از «سیارک‌ها» هستند که تعدادشان به ۱۰۰۰۰ عدد می‌رسد یا باید آنها را هم سیارک محسوب کرد؟

اتحادیه بین‌المللی ستاره‌شناسی برای حل این مسئله، از ستاره‌شناسان سراسر جهان خواسته بود از طریق پیام الکترونیک اعلام‌نظر کنند. اما در این نظرخواهی، چنان حمایت گسترده‌ای از وضع موجود صورت گرفت که «رای‌گیری» سریعاً پایان یافت.

درواقع، دانشمندان معتقدند که چنین تغییراتی فقط به بروز آسفتگی در اذهان عمومی منجر خواهد شد. مایک اهرن، از ستاره‌شناسان دانشگاه مریلند، می‌گوید: «مردم غالباً از دوران دبستان نام سیاره‌ها را یاد می‌گیرند و بعدها هم مایل‌اند جهان را به همین شکل تصور کنند.» بررسی دقیق‌تر پلوتون به این زودی‌ها نخواهد بود. ناسا قرار است در سال ۲۰۰۴ یک سفینه بی‌سرنشین را به نام پلوتو - کویپر اکسپرس به سوی پلوتون پرتاب کند. این سفینه پس از شش سال این مسافت ۴ میلیارد کیلومتری را طی خواهد کرد. به گفته اندرسون، تا آن زمان ستاره‌شناسان اجرام فرانیپتونی و رهبر غیررسمی‌شان یعنی پلوتون را به دقت نظاره خواهند کرد.

تحت بازنگری کلی قرار گیرد و این امر مستلزم همکاری بین دولت و جامعه مدنی است. نشانه‌های تحول در این وضعیت می‌تواند شامل گفت‌وگو بین دولت و بومیان در مورد نفت و درباره ایجاد دو منطقه حفاظت شده در منطقه آمازون باشد. فعلاً آنچه به چشم می‌خورد، این شعار روی دیوارهای شهرها است: «جریان نفت، خونریزی جنگل».

شدن هرگونه شکایت برای دریافت غرامت یا جبران پیشگیری شود. شرکت امریکایی آرکو که به مذاکره با بومیان مباحثات می‌کند، با پرداخت ماهانه ۲ میلیون دلار، مجوز رسمی برای ایجاد حصارهای امنیتی در اطراف تأسیسات خود و حتی تشکیل یک نیروی شبه نظامی خصوصی دریافت کرده است.

برای پایان بخشیدن به این فعالیت‌های زیانبار سی ساله، باید قوانین مربوط به بهره‌برداری نفتی

بگو مگو در کاکادو

دنيس شولتز*

یونسکو در ژوئیه ۱۹۹۹ در مورد ثبت نام احتمالی این منطقه در فهرست میراث جهانی در مخاطره تصمیم‌گیری خواهد کرد.

دولت استرالیا می‌گوید گزارش یونسکو حاوی اشتباهات اطلاعاتی، قانونی، علمی و منطقی است. شرکت منابع انرژی استرالیا هم می‌گوید توصیه‌های این گزارش «هیچ مفهوم زیست‌محیطی، اجتماعی یا قانونی ندارد».

مردم قوم میرار که مالکان بومی و سنتی آن مکان هستند، به همراه ۳۵۰۰ نفر از زیست‌شناسان به اقدامات اعتراضی گوناگون و تظاهرات علیه طرح دست زدند. این امر یکی از عواملی بود که یونسکو را به بررسی آثار بهره‌برداری معدنی بر مردم و محیط‌زیست آنان سوق داد.

البته بومیان در مورد مسئله معدن دچار اختلاف‌نظر هستند. از حدود ۵۰۰ نفر بومی ساکن کاکادو فقط ۲۸ نفر از قوم میرار هستند. بسیاری از بومیان سایر قبایل به دلایل اقتصادی خواهان اجرای طرح جاییلوکا هستند. اجرای این طرح فعلاً ادامه دارد.

گروه‌های بومی و سازمان‌های زیست‌محیطی غالباً با یکدیگر در ستیزند. اما در استرالیا، گروهی از بومیان بر سر مسئله یک معدن اورانیوم با «سبزها» متحد شده‌اند.

دولت استرالیا در سال ۱۹۹۶ به شرکت «منابع انرژی استرالیا» (ERA) اجازه داد از معدن جاییلوکا که ذخایر اورانیوم آن بیش از هشت میلیارد دلار ارزیابی شده است، بهره‌برداری کند. این تصمیم موجب مناقشه‌ای در سطح ملی و بین‌المللی شد، زیرا جاییلوکا در قلب پارک ملی کاکادو قرار دارد که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

یونسکو طی گزارشی در دسامبر ۱۹۹۸، از دولت استرالیا خواست این طرح بهره‌برداری را لغو کند، زیرا معدن جاییلوکا محیط‌زیست کاکادو و میراث فرهنگی بومیان را به مخاطره می‌افکند. کاکادو همچنین جایگاه صدها گونه از حیات وحش گیاهی و جانوری و آثار باستانی‌ترین سکونتگاه‌های انسانی در استرالیا است که قدمت برخی از آنان به ۶۰۰۰۰ هزار می‌رسد. کمیته‌ای از

صحنه اعتراضی در جاییلوکا.

